

دعا

شخصی از خدمت امام صادق (ع) سؤال می‌کند که خداوند را می‌خوانم و دعا می‌کنم؛ و اثر اجابت را مشاهده نمی‌کنم. حضرت می‌فرماید: ((این را به خداوند بنده؛ آیا خداوند خلف وعده می‌کند؟ گفت: نه. فرمود: پس برای چیست که اجابت نمی‌شود؟ گفت: نمی‌دانم. فرمود: هر که اطاعت کند خدا را در آنچه به او امر فرموده و دعا کند با شرایط آن، مستجاب می‌شود. پرسید شرایط دعا چیست؟ فرمودند: آنکه تحت نعمتهایش رایا آور شوی؛ و بر آن پاس گویی؛ و صلوات بر محمد و آتش فرستی؛ و سپس کنایان خویش را متذکر شوی؛ و استغفار نمایی؛ و زان پس حاجت خواهی))

(اصول کافی جلد 4 ص 256)



گر چه با فقرم جهان هموار نیست با کریان کارها دشوار نیست
با تھی دستی به درگاه آمدیم در حریم عزت شاه آمدیم
هر کریبی با گدایان آشناست ای کریا با تو هم چشم گداست

حضرت اسناد

. دعا و عبادت ضجّه ایست از پشت میله های زندان دنیا برای رهایی، و این رهایی نه به مفهوم مرگ است؛ چه بسا مردگان که از این زندان به زندان موحش تری راه یافتند؛ مرادم از رهایی، رهایی از فراق جانان است که بسا وصال او در همین جا میسر گردد و این نیاز يك نیاز طبیعی است چرا که :

(مانع ص 24)

هر کسی که دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش

. عزیزا! تصور کن هم اکنون فرشته ای از در درآمد و گفت: ای بنده خدا! حق تعالی می فرماید: يك حاجت از من بخواه تا آن را برآورم. در خود بیندیش، تا چه خواهی؟ قیمت تو همان است؛ مقدار پولی، اتومبیلی، خانه ای ... تا آن بلند همت والا گهري که بیاید و بگوید خداوندا تو را می خواهم؛ خودت را و لا غیر.

(بهان ص 27)

. اگر سوزی خداوند نصیب فرمود و اگر اشکی بر رخسارت جاری شد قدر وقت بدان و آنچه خواهی از او بخواه که نیکو فرصتی آمد که اشک راه او رودخانه ای است که تو جان و دل را در آن بشویی. و این دانه ها از مرواریدهای غلطان تو را خوش تر آید.

(تخلی ص 144)

. سعی نما که در قنوت عاجزانه حاجات خود را از قاضی الحاجات بخواهی و هر چه توانی قنوت را ادامه بده. که خدا دوست دارد بنده حاجت مند را که از او بخواهد. بگو: خداوندا تو روا کننده حاجاتی، گر گدا کاهل بود تقصیر صاحب خانه چیست؟

(تخلی ص 111)

. در دعا با محبوب خویش انس گیری و از قرب و مناجات و راز و نیاز با او لذت ببری. در دعا تو احساس می کنی بی کس نیستی؛ کسی داری که به راز دلت گوش فرا می دهد؛ سخنت می شنود؛ و این کس یابی، خود آرامشی دیگر است.
(جهان ص 170)

. در دعا تو بار غم ها از شانه دل فرو می نهی؛ سخن گفتن بار نهادن است؛ ولی این بار بر در هر که فرو نهی بارت افزایش و خداست که پذیرای درد های دل توست. گران جانی مکن، بار فرو نه تا آسانی در همان دم حس کنی.
(جهان ص 170)

#.

حاجبی می راند درویشی به زور کز حریم عزت است این خرقه دور
این لباس اندر خور دبار نیست زنده پوشان را به در که راه نیست
کر تو را با حضرتش آهنگ باد با چنین خرقه ورودت ننگ باد
گفت اگر باشد کمی باشد خروج ننگ باشد آن دم اینجا عروج
کر چه با فقرم جهان هموار نیست با کریمان کارها دشوار نیست

با تھی دستی بہ درگاہ آدیم در حریم عزت شاہ آدیم
ہر کریمی با کدیان آشناست اسی کریم با تو ہم چشم کد است

حضرت استاد

. در دعا درہای امید بر تو باز شود؛ نومیدی کنارہ گیرد و نسبت بہ
آیندہ خوش بین شوی. وہ کہ دعا بر زبان مؤمن موبہتی آسمانی و مائدہ
جاودانی است. (ہان ص 170)

. دعا را حالی باید کہ آن حال غریق است برای نجات و گرسنہ است برای
غذا و دردمند است برای شفا. حالی کہ بدانی فقیر فقیر فقیری و او را غنای
غناست. شکستگی باید تا پیوستگی آید. وفایی خواهد و صفایی باید، خلوص
باید تا حکم خلاصی در رسد. (ہان ص 175)

. چون دل دردمند سوزد درہای آسمان گشادہ گردد و حاجت نہادہ گردد.
پس ہر آدم دلت سوخت و اشکت جاری گشت، دست بہ دعا بردار. راز و
نیاز بر خدا برخوان؛ کہ در این حال اگر توشہ ای بر نگیری از کوتاہی
توست!

(ہان ص 175)

. دانی که وزش باد بشارت ابر است و آمدن ابر بشارت باران و باران بشارت رحمت، چون دریافتی که دلت شکست و نسائم رحمت وزیدن گرفت و باران اشک دل پژمرده ات را شکوفا کرد، در خبر است در چنین حالتی، سر به سجده نه، که دیگر بین تو و خدای تو هیچ حجابی نیست، سجاده را با سیرشکت بشوی و بخواه آنچه را می خواهی، گرچه دانم در چنین حالی از او جز او را نخواهی.

(یک شتاقان ص 114)

. بدان ای عزیز که هرگاه تو با ذکر محبوب روی بدو آوردی، و از خالقت یاد کردی و با صفاتی از او، به ستایش او پرداختی، حال چون مخاطب تو کریم است، منتظر است تا از او چیزی خواهی، اگر خود را فقیر دانی بخواه آنچه می خواهی که فرمود:

«قُلْ مَا يَعْبُدُوا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دَعَاكُمْ» (بگو چه قدر نهد خداوند شما را اگر

دعای شما نبود) {فرقان آیه 77}

و بهتر آن که اول به ذکر و محبت مولا پردازی، سپس نعماتی که خداوند بر تو ارزانی داشته بر شماری و سپاس آن داری، آن وقت بیابی اسمی از اسماء او را که با درخواست تو مناسبت داشته باشد، برای مثال اگر تنگدستی او را به نام (یا غنی) و اگر در امری گرفتاری به نام (یا معین) او را بخوان. هر چند همه اسماء او اسماء الحسنی است و از وحدت برخوردار است، زان پس بر محمد و آل محمد (ص) صلوات فرست و آن گاه با تضرع و خشوع چنان که گفته شد حاجات خود در میان نه و در اتمام دعا باز به صلوات پرداز. و بهترین وقت دعا در سحرگاه بعد نماز وتر است.

(همان ص 243)

. دانی که اگر غنی کریم هم باشد اگر گدا برای در خواست، کاهلی نمود، خود به در خانه گدا آید. و خداوند آن غنی کریم مهربان است که از فقر بنده اش آگاه هست و برای بخشش مواهبش با اصرار می آید. باور نداری به این آیه نگر:

«وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (چون از من بندگانم جویا شوند ایشان را بگو که با ایشان بس نزدیکم چون مرا خوانند دعوت ایشان بپذیرم، وقتی چنین است باید استجابت کنند مرا و ایمان آرند به من باشد که ره یابند. {بقره آیه 186})

(همان ص 247)

. (أُدْعُ اللَّهَ بِلِسَانٍ لَمْ تَعْصِهِ) (خدا را بخوانید با زبانی که با آن معصیت نکردید {جمار الأنوار ج 93}) طبعاً چون ما از معصومین نیستیم لازم است گونه ای زندگی کنیم که دیگران به ما دعا کنند، چه ما به زبان دیگران معصیت نکرده ایم به ویژه زبان ذاکر اولیاء حق که دعای ایشان از نه طبق می گذرد.

(همان ص 252)

. خداوند می فرماید: (أنا عند القلوب المنكسره) (من نزد دل های شکسته هستم {میراث قدسی}) اگر دلی شکسته داری بسم الله، بخواه هر چه می خواهی و اگر تو را این سرمایه نیست، به فقر و نیاز خویش بنگر و اگر معرفت آن را هم نداری، ساعت احتضار و مرگ را در نظر آر، و در خلوتی به ایام بر باد رفته عمر نظر انداز و گناهان گذشته را در نظر آر، و بنگر که اگر باران غفران و رحمتش بر این دامن آلوده نیارد با مکافات حضرت شدید العقاب چه باید کرد؟ با این توجّهات، بسا شکستگی تو را حاصل آید، حال اگر دیدی مروارید سرشک، چهره ات را شاداب کرد، سر به سجده گذار و بخواه هر چه می خواهی که در این حال بین تو و خدای تو هیچ حایلی نیست.

(همان ص 253)

ای عزیز! از شرایط استجابیت دعا اکتساب حلال است، سلول های بدن تو زاده خوراک تواند و اگر خوراک تو از حرام باشد، این سلول ها حرام زاده اند، و زبان چون حرام زاده بود کلامش بالا نرود، زین رو منال که بس دعا کردم و یکی به استجابیت نرسید، کمی در اکتساب خود بیندیش.

(همان ص 255)

. نیایش و خواهش، اتصال ذره بی مقدار است با بی نهایت ها، ارتباط ذات فقیر است با غنی؛ بهره یابی نیستی است از هستی.
(همان ص 17)

. کریمان اگر گدا بر در نیاید خود به دنبال گدا ره پویند، برخیز و به درگاه کریم روی نه و اگر حالتی چنین نیست در انتظار کریم نشین و انتظار از دست مده.
(همان ص 90)

. چون بر این در به گدایی نشست و دست بر این حلقه زد و دقّ الباب کردی، اگر از پشت در گفتند: ای بیگانه چه می خواهی؟ بگو: آلوده ای آمده امّا هر چه هست بنده تو است، از رسوّلت شنیده ایم که تو محسن و کریمی، اگر گدا بر این در نیاید، گرمّت را چگونه آشکار کنی؟ آمدم تا گرمّت را بر ملا کنم. با من آموخته اند که تو، نه غافر که غفار هستی، زین رو بر پیشگاه سیلاب رحمت نامه ای سر تا پا سیاه آورده ام. اگر گفتند: بعد از آن، چه خواهی؟ بگو خودت را.
(همان ص 240)

(سؤال از محضر استاد)

مدتی است که هرچه از خدا می‌خواهم به نتیجه نمی‌رسم بعضی وقت‌ها فکر میکنم شاید گناهی کرده‌ام که خدا صدایم را نمی‌شنود به نظر شما چه کنم؟

جواب

فرزندم! ماکه سنی را پشت سر نهاده ایم اکنون می‌یابیم که بسیاری از خواسته‌های ما به ضرر ما بود و خداوند لطف کرد و نداد، او کم‌نزد و از بخش‌پذیری نمی‌کاهد، حتماً صلاح شما در آنست. اما بیج دستی به سوی خدا دراز نمی‌شود جز اینکه چیزی در آن می‌گذارد یا حاجت شما را بیه از آن، ضمناً بعضی حاجات برآورده شدن آنها، زمانمند است. « إِنَّ اللَّهَ بِأَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا » « خداوند امرش نافذ و روان

است، بر هر چیزی قدر و اندازه‌ای مقرر داشته است. (سوره طلاق آیه 3) »